

مواردی که جایز است زن از شوهر خود طلاق بگیرد

بررسی پیشین ثابت نمود که طلاق حقیقی طبیعی عود می باشد ، ولی گاهی گفته می شود: زنانی هستند که میل به طلاق دارند و ارشودر خود متغیر بوده ، و با هم سازگاری ندارند، لکن شوهری آنان نه بد وظایف خود عمل می کند و نه آنها را رها می سازند .

گاهی جریان برعکس می شود یعنی زن میل به طلاق ندارد ولی شوهر زوی هوسرانی و حق نشناسی بدون این که همسر او گناهی مرتکب شده باشد با او طلاق می دهد و بنای نامساعدی می گذارد . آیا این ، تمام حدان محسوب نمی شود؟

در پاسخ این دو سوال اجمالاً می گوئیم که اسلام طی قوانین محکم و مترقی خود با نیاز مختلف تمام مشکلاتی را که زن و شوهرها ، بعد از تشکیل خانواده با آن مواجه می شوند پیش بینی کرده در مقام دفع آنها برآمده است .

از همسر خود ناراضی و دل واپس و منفرد می باشد یا زن فرض اول در اینجا محل گفتگو نیست زیرا واضح است که مرد در این صورت ، می تواند یا تسخیر پیمان زناشویی (در صورتی که یکی از عیبی که موجب تسخیر می شود در همسر پدیدار گردد) با طلاق دادن ، از او جدا شود و صلاح زن و شوهر در این صورت که توافق هرگز امکان پذیر نباشد ، ایجاد می کند که از یکدیگر جدا شوند گرچه زن به آن راضی نباشد ، و گرنه ادامه زندگی زناشویی بدون صمیمیت و توافق نه تنها فایده ای ندارد ، بلکه مواجهه با یک سلسله مشکلات و ناراحتیهای بی شمار دیگری می شود که جدائی به مراتب آسان تر از آن است .

اما در فرض دوم که نفر و نامساعدگاری و دل واپسی از ناحیه زن باشد باید علل و عواملی را که موجب نفر و از جبار زن از مرد می باشد ملاحظه نمود بجهت محرواست؟

۱- گاهی زن برای کسب آزادی مطلق در زندگی

از شوهر خود دستبردار و او را ۱۵ ممل و او را تجاعی می‌داند
و از او نفایس طلاق می‌کند مثلاً اگر زن دلش می‌خواهد
در شب نشینیهای مراسم رقص و آهنگ و سر و سرگشته
کند و شوهرش با او مخالفت می‌کند و یا می‌خواهد به
مراکز فساد از قبیل مسیماهای کذابی و تریاها، پارنی-
های پر رنگ برود و شوهرش را ضعیف به این کار نیست.
بدیهی است که اگر چاره زن در این حال نه تنها
اثری ندارد بلکه بر سرش لازم است. اطمینان مختلف
خاسواده و فرزندان خود را از خطرات جدی
محافظت نماید.

هنگامی اهمیت این قانون روشن تر می‌شود که به
برخی از قوانین مدنی پاره‌ای از ممالک اروپائی
با اصطلاح متعدد (مثل بزیک و فرانسه) نظری یا فکتیم
که مقرری دارد زن در صورت جنون مرد، نه تنها
حق منع عقد ندارد بلکه برای لازمست از شوهر
دیوانه خود بهتر از سابق بدیروائی نماید.

۲- مواردی هست که زن برای زهانی خود،
محاکم شرعی مراجعه نموده نفایس طلاق می‌کند
و محکمه‌های شرعی بعد از رسیدگی بررسی کامل،
زن را اطلاق داده از احوال می‌دهند از جمله آنها
موارد زیر است:

۱- شوهر از دادن نفقه همسر خود امتناع ورزد
و از تمین و مسائل زندگی او سر باز زند، زن در این
صورت به محاکم شرع مراجعه و محاکم، مرد را به
این کار ازام و در صورت امتناع، حکم به جدائی
من آنند می‌نماید.

۲- ابوبتیر الامام صادق (ع) چنین نقل می‌کند:
اگر مرد، نفقه همسر خود را از ایام و غیر آن،
نبردارد بر پیشوایان مسلمین لازم است آنها را (باطلاق
دادن) از یکدیگر جدا سازد (۲)

۳- اگر شوهر زنی فقو و الاثر شود زن بلا تکلیف-
بقیه در صفحه ۵۳

۲- اگر عوامل ناراحتی و از حارزن، مشروع
بوده، عقابانی باشد اسلام بطریق مختلفی برای نجات
او پیش بینی کرده است:

۱- مواردی هست که زن حق دارد با مراجعه به
محاکم شرعی و در برخی از موارد خودش - بجهان
دناشویی راجع و آثار اطفال ایجاد نماید و دیگری
که با خواهر او باشد از دواج نماید از جمله موارد:
جنون مرد (هم از جنون اطفالی و استمراری و
ادواری)

عینی بودن (مانند انصاع دناشویی)
حصی (احیه) بودن
مفطوح بودن آلت تناسلی بتفسیری که در کتب
فقو صورت گرفته است و روایات زیاد، متوری نیز در
این مورد وارد شده است.

چنانکه مشاهده می‌گردد اسلام با مجویز حق
امح برای زن، او را از مشکلاتی که ممکن است در

۱- برای توضیح بیشتر در کتاب «جواهره باب العیوب الموجبه للفسح» مراجعه فرمائید.

۲- وسائل - باب نفقه

بگذارد و حق او را ضایع نگردانند در این صورت بر زن چهار است برای استیفاء حق خودش بهاگم مراجعه و در صورت امتناع مرد، از او جدا گردد. در غیر موارد چهار گانه اگر مردی پیش باید که بقاء زوجیت و ادامه زندگی مشترک موجب ضرر زن و اسباب عسر و حرج و آشفته نشانی او شود می تواند به محکمه، مراجعه کند و محکمه نیز با ملاحظه قواعد مقرر شرعی حکم بطلاق می کند.

چنانکه ملاحظه می کنید، اسلام در موارد ضروری که موجب عسر و حرج باشد بطلاق زن و شوهرها رسیده، تا نحو بطلاق خانوار دهها را از سوختن بختی ها و ناراحتیها و جداییها نجات می دهد.

اسک این سؤال کافی می ماند که در غیر موارد بالا اگر زن از شوهر خویش متنفر باشد و نخواهد از او جدا شود آیا برای او راهی وجود دارد یا نه؟ اسلام در این مورد چه نظری دارد؟ پاسخ آنرا در شماره آینده مطالعه فرمائید.

باقی بماند می تواند بهاگم شرع مراجعه و بهاگم نیز افرادی را می گماید که اوضاع او تحقیق کنند تا معلوم شود مرده است یا زنده و بعد از چهار سال اگر پیدا شود بهاگم شرع الرجاعیه مرد، زن را طلاق داده او را از بلاتکلیفی نجات می دهد.

۳- اگر مردی به همسر خود نسبت زنا بشهد و با فرزندان خود در انکار نماید و شاهد مشرکی بر آن اقامه ننماید بر زن چهار است ازهاگم شرع نقایصی رسیدگی کرده بعد از بررسی بهاگم و انجام مراسم قسم خاصی که در قرآن بیان اشاره شده است تکلیف زن را بر عین کند تا بر ایندهی استن در این صورت میتواند خود را ازاهی کند یا مردی که نسبت به همسر خود بالاترین اهانت را نموده و او را و نامهم ساخته است با صیغیت به زندگی ادامه دهد.

۴- شوهر از انجام وظایف زناشویی و همسرش امتناع ورزد و همسر خویش را از این حیث در فشار

سوم و ضد سوم

آیا می دانید که هرگز نمی تواند ۲۴ ساعت صوم نفس بخورد معمول ۲۵۰ گرم و کربن خالص از زنده خود آبیرون می کشند انسان را و اگر تعداد مردها ۳ عملیات تقریباً در ظرف یکسال در دسترس هستند و سه میلیون و هفتصد و پنجاه هزار تن! این کار سعی بوسله نفس نواید می شود. و اگر این کارها شما هم می شد همه موجودات زنده را بود می کشد ولی این وظیفه حیاتی بهمه گیاهان و گذار شده که برعکس انسانها، گاز کربن را از مصرف می کنند و اکسیژن پس می دهند و با همه فعل و انفعالاتی شیمیائی عظیم را بوسله بر آبیاری خود انجام می دهند.

آیا این خود دلیل بر حکمت و تدبیر پروردگار است؟